

و باطن نیت این فرزند از دست و پا می کشد است و ما می کشد اولی تا علی علم
 بداند که حق تعالی سخن کافران را در محبت بنده با شیطان و مؤمنان یا همچو ایشان بشنود
 ابطال کرده و از ایشان در طلب کرده و در حجاب اولی یعنی شری و در اتفاق و در عیب
 عقلی چون ایشان از سر عاواند و جیب خود را و عدل کرده که ما اینست در قیامت
 عذاب نوا میرسد که گفت یا در کن ای محمد بن محمد آن روز را که یکشفت گشته بود یعنی
 پیدا کرده شود حق ساقی سخن عظیم و شده قطعه یعنی با و کن آن روز را که پیدا کرده
 شود در وی بلای بزرگ و کارهای بزرگ را که اولین و آخرین میران مانند و بر سر
 و هر یکی را کارهای پیش از آنکه گز آنجانی نیامده باشد در نیت عرب کشف ساقی
 از سخن که گفته می شود کشف الیوب عن ساقیها سخت شد جنگ اگر چه جنگ ساق
 نمی باشد اما چون کسی را سخت دشوار پیش آید می نماند و جاه را با لای کشد
 تا ساق با ی شاکه و کشتن آورده است قال حاتم الخواری ان غصت بر الیوب
 غصتها وان شترت عن ساقها الیوب شتر یعنی چون کار سخت و سولناک پیدا شود
 الیبه پند چون خوانده شود در عرصت قیامت التبیح بجهه کردن پس خوانده
 کافران و منافقان بجهه بودن از بهر آنکه پشتهای ایشان همچو استخوان بپس
 شود همچو خردی که نیت فلا یسطعون فاشبهه ابصارهم فوارده

باشند چشمهایشان همچو ایشان ترسند از عذاب و عیب قیامت و چشمهایشان همچو
 خود رفته باشد تو هفتاد هزاره می رسد بایشان نواری در سیاه روی بعد
 بیان کرد حق تعالی بر او اندر قیامت بجهه کردن و گفت جل جلاله و قداکنا
 بودند این کسانی که سخن می توانند که در قیامت با مؤمنان در دنیا آمیخته پند چون
 خوانده می شوند لای التبیح بجهه کردن و نماز جماعت گزاران اگر کسی اجباراً
 که ایشان سخن میگویند و یا نماز جماعت نیکو کردند و همه مسالمون و حال
 این بود که ایشان سخن درست بودند و پشتهای ایشان همچو استخوان بپس
 نبود امر و زار برای آن سخن نمی توانند کرد و یکی از کبر امفوج شدن بود چون وقت
 نماز شدی دو کس دیگر بر او ایستاد بجهه بروندی و گفتی از عیب قیامت و ازین حال
 می ترسم بداند که سبوح فرمودن در قیامت از برای عقوبت کافران و عاصیان باشد
 از برای تحلیف بر مؤمنان از اجرت خدای تحلیف نیست بداند که شهادت
 و جعفری از مفسران در تعابیر خود معنی این است را بطریق دیگر نیز بیان کرده اند و در
 حدیث روایت کرده اند یکی از ابو هریره و دیگری از ابو هریره و حدیث دیگر که در
 آورده است و از این مسعودی در حق الله تعالی حدیث روایت کرده است که گفت
 عن ساقه و اما للمؤمنون فحون یجدا و اما للمنافقین فکون فکون طبعاً

یک شخت م